

تحلیل دیدگاه شورای نگهبان درباره امتیاز نفقه زن^۱

عباس میرشکاری^۲

چکیده

از زمان تصویب قانون مدنی، طلب زن بابت نفقه‌اش ممتاز شمرده شده است؛ به این معنی که زن در دریافت طلبش بر دیگر طلبکاران، تقدم دارد. این موضوع، در متن اولیه قانون حمایت خانواده پیش‌بینی و حتی قلمرو امتیاز زن نیز گسترش یافته بود، اما شورای نگهبان، تقدم زن بر سایر طلبکاران را خلاف شرع شناخت. برای همین، در متن نهایی قانون پیش‌گفته نشانی از امتیاز طلب زن دیده نمی‌شود. این در حالی است که نه تنها در نوشته‌های فقهی به روشنی به لزوم تقدم پرداخت نفقه بر پرداخت دیگر مطالبات، تصریح شده است، بلکه چنین امتیازی با قواعد اخلاقی و فلسفی نیز سازگار است. به هر روی، مقاله حاضر ثابت می‌کند که اگر چه در قانون جدید، نشانه‌ای از امتیاز زن بابت نفقه‌اش دیده نمی‌شود، به استناد قوانین دیگر، این امتیاز همچنان پابرجاست.

واژگان کلیدی

قانون حمایت خانواده، شورای نگهبان، نفقه، طلبکاران، طلب ممتاز

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۵

۲- استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه علم و فرهنگ

مقدمه

زنان به لحاظ جایگاه مهمشان در خانواده، شایسته حمایت بیشتری هستند. یکی از ابعاد حمایت یاد شده این است که مطالبات آن‌ها ممتاز شمرده شده و در نتیجه، پیش از دیگر مطالبات پرداخت شود. از همین رو، در قانون مدنی و دیگر قوانین مانند «قانون حمایت از خانواده» مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵، طلب زن بابت نفقه‌اش ممتاز محسوب شد. در راستای همین باور مجلس شورای اسلامی در ماده ۴۹ لایحه قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۲/۲۰، طلب زن بابت نفقه را ممتاز شمرد؛ اما شورای نگهبان، این ماده را خلاف شرع دانست. به همین منظور، مفاد ماده ۴۹ در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱ از متن قانون حمایت خانواده حذف و سرانجام قانون یاد شده بدون آن‌که حق تقدیمی برای زنان، بشناسد، در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۹ به تأیید شورای نگهبان رسید. حال، پرسش این است که آیا واقعاً امتیاز نفقه زن، خلاف شرع است؟ یا ممکن است امتیاز طلب زن بابت نفقه‌اش هنوز پابرجا باشد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، نخست، مفهوم طلب ممتاز بررسی شده، پیشینه تاریخی امتیاز نفقه زن مرور می‌شود. سپس، نظریه شورای نگهبان، نقل و نقد می‌گردد و سرانجام، وضعیت امتیاز نفقه زن در نظم حقوقی کنونی، تحلیل می‌شود.

مفهوم طلب ممتاز

طلب ممتاز، همانند هر طلب دیگری، حقی مالی و از مصادیق حقوق دینی است؛ اما وصفی که این نهاد حقوقی را از سایر مطالبات، متمایز می‌سازد، ویژگی تعقیب یا تقدیمی است که طلب ممتاز به موجب قانون کسب کرده است (ایزنلو، ۱۳۹۱، ص ۲۷). توضیح آن‌که گاه طلب ممتاز تنها دارای حق تقدم است؛ یعنی پرداخت آن از حیث زمانی باید بر سایر مطالبات، مقدم قرار داده شود (Gene F Turnwald, 2010, P.20). بدون آن‌که طلبکار با مال معینی از اموال بدهکار، رابطه حقوقی داشته باشد. برای نمونه، بر اساس ماده ۲۴ قانون کار مصوب ۲۶ اسفند ماه ۱۳۳۷، «مزد کارگران در عداد دیون ممتاز کارفرما بوده و باید قبل از سایر قروض حتی دیون مالیاتی تأمین و پرداخت شود». در این‌جا، کارگر، هیچ حقی در اموال کارفرما ندارد؛ تنها طلب وی باید پیش از پرداخت طلب سایرین، پرداخت

شود. گاه نیز برخی از طلب‌های ممتاز، نسبت به مال معینی از اموال بدهکار، حق تعقیب پیدا می‌کنند؛ به گونه‌ای که آن مال معین، در وثیقه طلب طلبکار قرار می‌گیرد؛ اما وثیقه‌ای که سبب ایجاد آن، حکم قانون است نه قرارداد (Alain Fournier, 2009, P.2). چنان که بر اساس ماده ۳۳ قانون بیمه، بیمه‌گر برای مطالبه حق بیمه، در مقابل هر طلبکاری، بر «مال بیمه شده» مقدم دانسته شده است. به این ترتیب، مال بیمه شده به حکم قانون در وثیقه طلب بیمه‌گر قرار گرفته است. از این دسته مطالبات ممتاز، می‌توان با عنوان مطالبات دارای وثیقه قانونی یاد کرد. در این صورت، حق طلبکار به طرفیت بدهکار خویش، حق دینی و بر روی اموال بدهکار، حق عینی تبعی خواهد بود؛ زیرا وجود آن وابسته به طلب و به تبع آن است (Olivier Barret, 2010, P.2). طلب ممتاز، دو ویژگی فوق را به صورت مستقیم از قانون کسب می‌کند. این نکته، طلب ممتاز را از طلب مرتهن، متمایز می‌کند؛ زیرا اگر چه این طلب، نیز دارای حق تقدم و تعقیب است، اما منشأ اوصاف یاد شده، قرارداد است نه حکم مستقیم قانون (Alain Fournier, 2009, P.12).

پیشینه قانون‌گذاری درباره امتیاز نفقه زن

نفقه، «همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج، به واسطه نقصان یا مرض» است (ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی؛ نجفی، بی‌تا، ص ۳۳۵؛ امامی، ۱۳۹۰، ص ۴۴۴-۴۴۵؛ کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶؛ صفایی، ۱۳۸۳، ص ۲۷۷؛ محقق داماد، ۱۳۷۴، ص ۳۶۸). به موجب ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی نیز «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است». نفقه زن نه تنها بر نفقه دیگر افراد واجب‌النفقه، مقدم است؛ بلکه طلب زن از همسر خویش بابت نفقه، بر دیگر طلب‌ها نیز مقدم است. این حکم، نخستین بار، در ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی بیان شد: «زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوا نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن مقدم بر غرماء خواهد بود ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه نفقه نمایند». پس از این قانون، در ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی (مصوب ۱۳۱۸) و ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی (مصوب

۱۳۱۹)، نفقه زن در ردیف چهارم طلبکاران قرار گرفت و پس از (حقوق خدمه ردیف نخست)، طلب اشخاصی که مال آن‌ها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره متوفی بوده (ردیف دوم) و طلب پزشک و داروفروش (ردیف سوم) بر دیگر بستانکاران، مقدم دانسته شد. در ماده ۱۴۸ قانون اجرای احکام مدنی نیز در زمان صدور اجرائیه‌های هم‌زمان، نفقه زن در ردیف سوم جای گرفت. پس از این قوانین، در تبصره دو ماده دوازده «قانون حمایت از خانواده» مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵، در حکمی کلی و بدون بیان ردیف و دسته، مقرر شد: «پرداخت نفقه قانونی زوجه و اولاد بر سایر دیون مقدم است» (روزنامه رسمی شماره ۸۷۱۵، ۱۳۵۳/۱۲/۱۲). به این ترتیب، اگر چه زن بابت طلبش، بر اموال شوهر، حق عینی تبعی نیافت، اما باید نفقه‌اش پیش از مطالبات دیگر پرداخت شود؛ از همین روی، می‌توان این طلب را طلب ممتاز دانست.

نقل، توجیه و نقد دیدگاه شورای نگهبان درباره امتیاز نفقه زن

در ماده ۴۹ لایحه حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۲/۲۰ مجلس شورای اسلامی آمده بود: «پرداخت نفقه زوجه برای مدت یک سال آتی و نفقه و هزینه نگهداری اطفال بر پرداخت تمامی دیون مقدم است. در مورد نفقه ایام گذشته زوجه مقررات ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی به قوت خود باقی است». به این ترتیب، اگر تا پیش از این و به موجب قانون مدنی، نفقه زن بابت نفقه ایام گذشته، ممتاز بود، با نوآوری ماده پیش‌گفته، نفقه زن برای یک سال آینده نیز در شمار مطالبات ممتاز جای می‌گرفت، اما شورای نگهبان، در بررسی این ماده، «ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی را ناسازگار با موازین شرع» دانست (نامه شماره ۹۱/۳۰/۴۶۹۱۸ به تاریخ ۱۳۹۱/۳/۱۷ شورای نگهبان). در پاسخ به این ایراد، مفاد ماده ۴۹ در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱ از متن لایحه حمایت خانواده حذف شد و سرانجام قانون یاد شده بدون آن‌که حق تقدمی برای زنان، بشناسد، در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۹ به تأیید شورای نگهبان رسید (روزنامه رسمی شماره ۱۹۱۳۵، ۱۳۹۲/۱/۲۲). به این ترتیب، شورای نگهبان، نه تنها مانع اعطای امتیاز به نفقه آینده زن شد، بلکه ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی مبنی بر امتیاز طلب زن بابت نفقه گذشته‌اش را هم خلاف شرع شناخت. البته این شورا پیش از این نیز، تبصره یک ماده سیزده لایحه قانونی کار

مصوب آبان ماه ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی را «از لحاظ این‌که مطالبات کارگران را بر سایر دیان مقدم داشته»، شرعی ندانسته بود (بند چهار نامه شماره ۹۸۵۵ به تاریخ ۱۳۶۶/۹/۱۹ شورای نگهبان؛ به نقل از: مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۲۵۹).

در توجیه مبنایی این دیدگاه، ممکن است گفته شود که اصل بر این است که اشخاص، با یکدیگر برابرند (کلی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۰)؛ طلبکاران نیز با یکدیگر برابرند. پس اعطای امتیاز به برخی از طلبکاران و ترجیح آن‌ها بر دیگران، نقض اصل برابری و البته ناپسند است (Mokal, 2011, P.116) میرشکاری، ۱۳۹۲، ص ۲۴). اما حقیقت این است که برابری دو گونه است: برابری صوری یا عددی و برابری نسبی یا هندسی (پوپر؛ کارل، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳). در برابری عددی، هدف ما، ایجاد تساوی ریاضی‌گونه، انتزاعی و صرف است. در مسیر تحقق این هدف، توجهی به تفاوت‌ها و گونه‌گونی اشخاص و موقعیت‌ها نمی‌شود؛ بلکه آنچه مهم است، برخورد برابر با همه اشخاص و موقعیت‌هاست؛ اما حقیقت آن است که اگر افراد برابر بودند، برابری عددی بسیار عالی بود؛ اما افراد برابر نیستند. بنابراین، «برخورد برابر» با «موضوعات نابرابر»، روا نیست (ندایی، ۱۳۷۹، ص ۶؛ عنایت، ۱۳۶۴، ص ۳۵؛ قاری سیف‌فاطمی، ۱۳۸۰، ص ۲۴). از همین رو، مفهوم برابری متناسب مطرح می‌شود (ایزنلو، ۱۳۸۵، ص ۲۶؛ ارسطو، ۱۳۵۸، ص ۲۱۳). در این مفهوم، آن برابری مد نظر است که در آن توجهی به انصاف و عدالت نیز بشود؛ یعنی تفاوت اشخاص و موقعیت‌ها دیده شود و متناسب با وضعیت افراد با آن‌ها برخورد گردد (توسلی، ۱۳۸۲، ص ۴۰۶).

در اجرای اصل برابری در میان طلبکاران نیز، اجرای برابری متناسب مدنظر است؛ در این گونه تساوی که می‌توان آن را «تعادل» نیز نامید، به کیفیت مطالبات باید نگریست (Kahil, 2011, P.91). پس اگر در میان مطالبات، کیفیت طلبی، خاص و در خور حمایت باشد، باید از این طلب و دارنده‌اش حمایت کرد. این حمایت، اگرچه ناقض برابری عددی است، اما ما را به عدالت بیشتر نزدیک خواهد کرد (J.Kilpi, 1998; P.22; Alain Fournier, 2009, P.2; Rizwaan Jameel Mokal, 2011, P.581-621; Andrew Hicks, 2008, P.615; Hélène Forster, 2004, P.4; Sen, A, 2000, P.17). به این ترتیب، تفاوت در ویژگی‌های مطالبات، وجود نهاد طلب ممتاز را موجه می‌سازد. در واقع، همه طلبکاران از لحاظ توان مالی در یک سطح نیستند، برخی آسیب‌پذیرند و مستحق حمایت بیشتری هستند؛ پس با ممتاز شمردن طلب آن‌ها،

می‌توان ایشان را در جریان رقابت میان طلبکاران قرار نداد و بدین ترتیب، وصول طلب آن‌ها را تضمین کرد. بر همین اساس، اگر طلبکاری، آسیب‌پذیر باشد، می‌توان با ممتاز دانستن طلبش، او را پیش از سایرین، به طلبش رساند (Vanessa Finch, 2009, P.666; Vanessa Finch, 2000, P.194). این اندیشه با اصول اخلاقی سازگار بوده، دارای مبانی فلسفی نیز هست؛ چه در پرتو اخلاق باید از اقتضای آسیب‌پذیر حمایت کرد (Alain Fournier, 2009, P.2; Terry Reid, 2006, P.286; Vanessa Finch, 2009, P.602; J.Ziegel, 1994). وجود دارد که ثروت و فرصت، باید به نفع ضعیف‌ترین‌ها، بازتوزیع شود (غریایق زندی، ۱۳۸۱، ص ۷۷؛ توانا، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹؛ قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۰؛ جروم، جی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۲؛ توسلی، ۱۳۸۲، ص ۴۰۶؛ سیدیان، ۱۳۸۲، ص ۶۰). بر همین اساس، با توجه به این‌که زنان در خانواده از لحاظ مالی از اشخاص آسیب‌پذیر شمرده می‌شوند، تلقی طلب آن‌ها به عنوان طلب ممتاز، اگرچه با معنای صوری برابری ناسازگار است، در راستای مفهوم برابری به تناسب است. برای همین است که از دیرباز طلب زن بابت نفقه‌اش در پنج قانون (ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی؛ ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی؛ ماده ۵۸ قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی؛ تبصره دو ماده دوازده قانون حمایت از خانواده و ماده ۱۴۸ قانون اجرای احکام مدنی) و بابت مهریه در دو قانون (ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی و ماده ۱۴۸ قانون اجرای احکام مدنی) به عنوان طلب ممتاز شناخته می‌شود.

افزون بر این، در مورد تقدم طلب زن بابت نفقه‌اش، پیشینه فقهی روشنی وجود دارد (نووی، بی‌تا، ص ۲۹؛ عاملی، ۱۴۱۹هـ ص ۴۸۱؛ همو، ۱۴۱۴هـ ص ۵۹۳؛ حلی، ۱۳۷۳، ص ۵۷۳؛ اسدی، بی‌تا، ص ۳۵؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۳هـ ص ۴۸۲-۴۸۵؛ سبزواری، ۱۴۲۳هـ ص ۳۰۵؛ خوبی، ۱۴۱۱-۱۷۱-۱۷۲؛ امین، ۱۳۷۱، ص ۶۶۲؛ منهجی اسیوطی، ۱۴۱۷هـ ص ۱۷۱؛ رعینی، ۱۹۶۶م، ص ۲۶) بنابراین، غیرشرعی خواندنتش، محل درنگ است. جالب آن‌که تقدم طلب کارگر نیز در فقه پذیرفته شده است (کرکی، ۱۴۰۸هـ ص ۲۹۵؛ اسدی، ۱۴۱۳هـ ص ۱۵۲؛ همو، ۱۳۸۹، ص ۷۸؛ کرکی، ۱۴۰۸هـ ص ۲۹۵؛ طوسی، ۱۴۰۷هـ ص ۴۸۶؛ همو، ۱۳۵۱، ص ۲۲۱؛ اسدی، بی‌تا، ص ۲۹۰؛ رافعی، ۱۴۲۲، ص ۱۷۹-۱۸۱؛ نووی، بی‌تا، ص ۱۷؛ شربینی، ۱۳۷۷، ص ۳۳۲؛ رعینی، ۱۹۶۶م، ص ۵۰۳؛ سرخسی، ۱۴۰۶هـ ص ۷۴).

۱- «فعلام ان نفقته مقدمه علی الدین».

۲- «لان نفقته مقدمه علی جمیع الحقوق من الدیون و غیرها من اموال المعاوضات».

۱- «فقد روی أبو هریره أن النبی صلی الله علیه وآله قال: اعطوا الاجیر اجره قبل ان یجف عرقه».

۲- «فکان ذلک منه حنا علی تعجیلها فی أول زمان استحقاقها».

امتیاز نفقه زن در نظم حقوقی کنونی

ممکن است با توجه به این‌که شورای نگهبان، «ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی را ناسازگار با موازین شرع» دانسته و نیز با توجه به حذف ماده ۴۹ از متن نهایی قانون حمایت خانواده، در بقای امتیاز نفقه زن تردید شود؛ اما حقیقت این است که نظر شورای مورد گفت‌وگو نمی‌تواند ملاک تفسیر قوانین قرار گیرد. همچنین، حذف ماده ۴۹ دلالتی بر نسخ مقررات موجود درباره امتیاز نفقه زن ندارد؛ به ویژه آن‌که در ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده که در مقام بیان قوانین منسوخ است، نامی از قوانینی که نفقه را طلب ممتاز می‌دانند، برده نشده است. به همه این نکات، این را نیز باید افزود که «کار شورای نگهبان... فقط در محدوده مصوبات مجلس است و دادن حق نسخ و اصلاح قوانین خلاف شرع مصوبه پیش از انقلاب... به شورای نگهبان نه فقط توسعه بدون دلیل اختیارات و وظایف آن شورا است بلکه دادن حق تقنین به آن است و در این وضع اخیر، شورای نگهبان... چیزی مانند مجلس سنا و مرجعی مستقل برای قانون‌گذاری می‌شود که نه فقط با صریح اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی منافات دارد، بلکه فرسنگ‌ها به دور از اراده و قصد و رضای مجلس خبرگان قانون اساسی است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹، ص ۳۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۳۳۸؛ مهرپور، ۱۳۷۲، ص ۷۰). به این ترتیب، همچنان امتیاز نفقه زن پابرجاست.

یافته‌های پژوهش

در اجرای اصل برابری در میان طلبکاران، اجرای برابری متناسب مدنظر است نه برابری عددی. در این گونه از تساوی، به کیفیت مطالبات نیز باید نگرست. پس اگر در میان مطالبات، کیفیت طلبی، خاص و در خور حمایت باشد، باید از این طلب و دارنده‌اش حمایت کرد. بر همین اساس، با توجه به این‌که زنان در خانواده از لحاظ مالی از اشخاص آسیب پذیر هستند، با تلقی طلبشان به عنوان طلب ممتاز، باید از آن‌ها حمایت کرد. این باور با اصول شرع، دیدگاه‌های اخلاقی و اندیشه‌های فلسفی نیز سازگار است. در نظم حقوقی کنونی و با وجود سکوت قانون حمایت خانواده، بازهم باید به استناد قوانین پیشین (که هنوز نسخ نشده‌اند) امتیاز نفقه زن را پابرجا دانست.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- ارسطو، *سیاست*، ترجمه حمید عنایت، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۵۸
- اسدی، حسن بن یوسف بن مطهر (علامه حلی)، *ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد*، قم، علمیه، ۱۳۸۹
- _____، *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳هـ
- _____، *تذکره الفقهاء*، قم، مکتب مرتضوی، بی‌تا
- _____، *تحریر الاحکام*، قم، مؤسسه امام صادق ۷، بی‌تا
- امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، تهران، اسلامی، ۱۳۹۰، چاپ هفدهم
- امین، سید محسن، *اعیان الشیعه*، بی‌جا، دارالتعارف مطبوعات، ۱۳۷۱
- ایزانلو، محسن، «*برابری در مقابل قانون*»، حکومت قانون و جامعه مدنی، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۵
- ایزانلو، محسن؛ میرشکاری، عباس، «*طلب ممتاز*»، دیدگاه‌های حقوقی، تهران، ش ۶۰، ۱۳۹۱
- پوپر، کارل، *جامعه باز و دشمنان آن*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰، چاپ سوم
- توانا، محمدعلی، «*نظریه عدالت سیاسی جان رالز، راه حلی برای معمای دو وجهی آزادی و برابری*»، دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری، تهران، ش ۸، ۱۳۸۹
- توسلی، حسین، «*مشکل توجیه برابری در تفکر لیبرال*»، نقد و نظر، تهران، سال هشتم، ش ۳-۴، ۱۳۸۲
- حلی، ابوالقاسم جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید (محقق)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، بیروت، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۳

- خامنه‌ای، سیدمحمد، «اصل چهارم قانون اساسی»، مجله کانون وکلا، تهران، ش ۱۵۲-۱۵۳، ۱۳۶۹
- خویی، سید ابوالقاسم، کتاب النکاح، بیروت، منشورات مدرسه دارالعلم، ۱۴۱۱هـ-
رافعی، عبدالکریم، فتح العزیز، قم، دارالفکر، ۱۴۲۲هـ
- رعینی، حطاب، مواهب الجلیل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۶۶م
- سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (محقق)، کفایه الاحکام، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۳هـ
- سرخسی، محمدبن احمد، المبسوط، قم، دارالمعرفه، ۱۴۰۶هـ
- سیدیان، سید مهدی، «فلسفه سیاسی افلاطون و ارسطو»، تهران، مجله معرفت، ش ۶۸، ۱۳۸۲
- _____، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷هـ
- شربینی، محمد بن احمد، مغنی المحتاج، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، تهران، میزان، ۱۳۸۳،
چاپ هفتم
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (شیخ الطائفه)، مبسوط فی الفقه الامامیه، قم،
حیدری، ۱۳۵۱
- عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهیدثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح
شرایع الاسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۴هـ
- _____، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی،
۱۴۱۹هـ
- عنایت، حمید، بنیاد فلسفی در غرب، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴
- غریاق زندی، داوود، «نظریه عدالت به انصاف جان والذ: نظریه‌ای جهان شمول
یا لیبرالی»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۸۵ و ۱۸۶، ۱۳۸۱
- قاری سیدفاطمی، سید محمد، «تحلیل مفاهیم کلیدی حقوق بشر معاصر»، تحقیقات
حقوقی، ش ۳۳-۳۴، ۱۳۸۰

- کاتوزیان، ناصر، «اصول منطقی حاکم بر تفسیر قانون اساسی»، تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۶، ۱۳۸۳
- کرکی، علی بن حسین (محقق ثانی)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد حسن بن یوسف علامه حلی*، بیروت، مؤسسه آل البيت 7 لاحیاء التراث، ۱۴۰۸هـ
- کلی، جان، *تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب*، ترجمه محمد راسخ، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲
- محقق داماد، سیدمصطفی، *بررسی فقهی حقوق خانواده؛ نکاح و انحلال آن*، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۴، چاپ پنجم
- منهای سیوطی، محمد بن احمد، *جواهرالعقود و معین القضاء و الموقعین و الشهود*، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷هـ
- مهرپور، حسین، «موقعیت حقوقی مطالبات کارگر»، تهران، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۴، ۱۳۷۱
- _____، «شورای نگهبان و بررسی قوانین»، تهران، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۹، ۱۳۷۲
- موسوی عاملی، سید محمد، *نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳هـ
- نجفی، محمد حسن بن باقر (صاحب الجواهر)، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، چاپ هفتم
- ندایی، هاشم، «بررسی معنا و مفهوم عدالت با تأکید بر عدالت اجتماعی»، مجله مصباح، ش ۳۴، ۱۳۷۹
- نووی، محیی الدین، *مجموع فی شرح المذهب*، قم، دارالفکر، بی تا، چاپ دوم

منابع انگلیسی

- Hicks, Andrew; Goo, S.H, *Cases and Materials on Company Law*, oxford, 2008
- Kahil, Omran, *L'Égalite Entre Les Creanciers Dans Le Cadre De*

- La Saisie Attribution*, Thèse, L'Université Lille 2, 2011
- Kilpi, J., *The Ethics of Bankruptcy*, Routledge, 1998
 - Mokal, Rizwaan Jameel, *Priority as Pathology: The Pari Passu Myth*, Cambridge Law Journal, Vol.0. No.3, November 2011
 - Reid, Terry, *Insolvency Law in Laos*, Roman Tomasic, 2006
 - Turnwald, Gene, *consumer bankruptcy protection in Michigan*, eloquent books, 2010
 - Barret, Olivier, *Privileges Mobiliers*, RéP. civ. Dalloz, 2010
 - Fournier, Alain, *Privileges Generaux*, RéP. civ. Dalloz, janvier 2009
 - Forster, Hélène; Milinkiewicz, Julien, *Le Principe d'égalité Entre les Créanciers*, Séminaire de droit des procédures collectives, Dea de Droit des Affaires, Strasbourg, 2004
 - Sen, A., *Repenser l'inégalité*, Paris, Seuil, 2000

